



سرود حضور «جمشید»

۲۲ فیلم سودای سیمرغ معرفی شد



عکس: معین باقری

۱۸

جزئیاتی از یک بخش

بلندپروازی فیلمهای کوتاه

۸

چرخه فیلمهای چریکی ۱۳۵۸/۱۳۶۱

اسلحه به جای چاقو چریک به جای جاهل

۴

رکوردداران دریافت دیپلم افتخار

فجر دیپلمه ها

لبخند و تلخند

کیومرث پوراحمد
کارگردان

من یک فیلمسازم که در کارنامه کاری‌ام فیلم‌های متعددی ثبت شده است. هم فیلم خوب دارم که محبوب ذهن تماشاگر و منتقد شده است و هم فیلم ضعیف که به سبب ساختش بیش از همه خودم را آزرده کرده است و از سرانجامش آسیب دیده‌ام.

چه روزهایی که در ایام جشنواره به موجب درخشش «شب یلدا» و «خواهران غریب» ذوق کردم و حظ بردم، و چه روزهایی که با ارکان جشنواره‌ای «کفشایم کو؟» کلافه شدم، همگی به‌در شد. «توبوس شب» حالم را خوب کرد و «پنجاه قدم آخر» اعصابم را خرد. هرچه بود گذشت و حالا من ایستاده‌ام با سینما، با جشنواره و فیلم جدیدی که به‌واسطه آن روزهای خوب خود را انتظار می‌کشم.

همه فیلمسازان مانند من همواره روزهای متفاوتی را از سر گذرانده‌اند، چه آنکه معیار جشنواره برای فیلمسازان همیشه حایز اهمیت بوده و هست. خیلی‌ها تلاش می‌کنند که به هر ترتیب سینما را تخطئه کنند و در این مسیر گاهی اخم‌شان را برای فیلمسازان می‌آورند، گاهی چهره بر تعلقات سینما که مهم‌ترین آن جشنواره فجر باشد، عبوس می‌کنند. من به عنوان یک فیلمساز همیشه در معرض این اخم‌ها و عبوسی‌ها بوده‌ام و حتی گاهی از این رفتارها به تنگ هم آمده‌ام. مگر می‌شود در این مملکت فیلم ساخت و گرفتار سختی‌ها نشد؟ مگر می‌شود فیلم‌ات را به جشنواره برسانی و منتظر لبخند و تلخند منتقدان نباشی؟ همیشه همین بوده و هست و به قولی فیلمسازی در زمره مشاغل سخت است. من در این زمان کوتاهی که در یکی دو سال گذشته با بیماری و البته احوال بد روحی خودم دست و پنجه نرم می‌کردم، مدام درباره ادامه فیلمسازی و در صورت محقق شدن ساخت فیلم جدید و ارائه آن به جشنواره فکر می‌کردم. آزرده‌گی‌هایم بسیار بود و البته امیدهایم بیشتر؛ حالا با فیلمی که در جشنواره فیلم فجر دوره سی‌وهفتم برای رقابت و از آن مهم‌تر پرواز به دل تماشاگران آماده کرده‌ام می‌خواهم به خودم و دیگر همکارانم واگویم که: این سینمای ماست، با همه بضاعت و همه کاستی‌هایش. سینمایی که ما در ساخت شاکله آن سهیم بودیم و هستیم.

جشنواره فجر برای من پر است از خاطرات ناب، شیرین و تلخ؛ این جشنواره شبیه عمر رفته من است، شبیه فیلم‌هایم با فرار و فرود بوده و حالا دوباره از راه رسیده است. مبارک ...ما...





رونمایی از نشان سی و هشتم

پوستر سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد. صبح امروز، چهارم دی ماه با حضور اهالی رسانه و در حاشیه معرفی فیلم‌های راه یافته به بخش سودای سیمرغ سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، پوستر این جشنواره توسط جمشید مشایخی رونمایی شد. پوستر سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر را حمیدرضا بیدقی طراحی کرده است. پوستر جشنواره سی و هشتم نیز توسط او طراحی شده بود.



تعطیلی ۲ روزه جشنواره

سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر که از ۱۰ تا ۲۲ بهمن برگزار می‌شود، به مناسبت سالروز شهادت حضرت فاطمه (س) به مدت دو روز تعطیل خواهد بود. ابراهیم داروغه‌زاده در نخستین مصاحبه خود پس از معرفی به عنوان دبیر سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، از آغاز زودتر از موعد این جشنواره خبر داده بود و گفته بود: به علت مصادف شدن با ایام فاطمیه (س)، جشنواره امسال احتمالاً چند روز زودتر از دهه فجر یعنی از هشتم یا دهم بهمن ماه آغاز شود و هجدهم همان ماه هم به کار خود پایان دهد. اما تاریخ قطعی برگزاری جشنواره سی و هشتم فیلم فجر روزهای ۱۰ تا ۲۲ بهمن تعیین شد. مسعود نجفی مدیر روابط عمومی جشنواره درباره تداخل برگزاری جشنواره با ایام فاطمیه (س) به فارس گفت: به همین مناسبت، جشنواره فیلم فجر روزهای ۱۹ و ۲۰ بهمن تعطیل خواهد بود. شنبه ۲۰ بهمن، سالروز شهادت حضرت فاطمه (س) و همزمان با ایام فاطمیه دوم است.

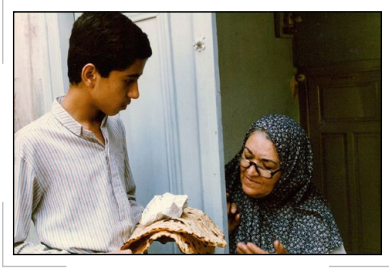


فردا! آغاز ثبت نام نمایندگان رسانه های غیرمکتوب

ثبت نام رسانه‌های دیداری (شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی، رسانه‌های تصویری فضای مجازی)، شنیداری (رادیو) برای حضور در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر از روز شنبه ۱۵ دی ماه آغاز می‌شود و روز سه‌شنبه ۱۸ دی به پایان می‌رسد. به گزارش ستاد خبری سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، روابط عمومی جشنواره، در راستای تکریص اصحاب رسانه و ممانعت از تضییع حقوق ایشان، مقررات صدور کارت جشنواره را اعلام کرده که شرح آن در سایت جشنواره آمده است.



علاقه‌مندان می‌توانند در تاریخ مقرر با مراجعه به سامانه جشنواره به آدرس fajrfilmfestival.com ثبت نام و مدارک لازم را بارگذاری کنند.



فجر دیلمه‌ها

نگاهی به رکوردداران دریافت دیپلم افتخار و نکاتی درباره مدال نقره ادوار جشنواره فجر

امیدایرانمها

تک تک افرادی که در ادوار جشنواره فیلم فجر در کسوت داوری یا هیات انتخاب به تماشای فیلم‌ها نشسته‌اند، به احتمال قریب به یقین، این گزاره را تایید می‌کنند که قضاوت کار آسانی نیست و بلکه دشوارترین کار دنیاست. از همان مرحله اول جشنواره که انتخاب فیلم‌های بخش سودای سیمیرغ باشد، صدای نقدها بلند می‌شود. آن‌ها که فیلم‌شان انتخاب نشده با اینکه فیلم‌های دیگر را ندیده‌اند متفق القول معتقدند موردی مهری قرار گرفته‌اند و آن‌ها که انتخاب شده‌اند بدون تردید اطمینان دارند که فیلم‌شان به حق انتخاب شده است. اما نه آن اتفاق نظر در میان انتخاب‌شدگان صدرصد قرین واقعیت است و نه اعتماد به نفس قاطعانه انتخاب‌شدگان پا در زمین واقعیت سفت می‌کند؛ حقیقت آن است که سلیقه و قضاوت در وی یکی سکه‌اند علی‌الخصوص اگر پای اثری هنری در میان باشد. اما در این میان تمهیداتی در جشنواره‌ها اندیشیده شده که کار قضاوت را برای داوران آسان تر می‌کند. از بخش‌های مختلفی که برای پذیرش تعداد بیشتری از فیلم‌ها به مدد هیات انتخاب می‌آید تا جوایز فرعی که اغلب اوقات ضرب انتخاب قاطعانه برندگان را می‌گیرد. شاید بعضی‌ها تصور کنند که دیپلم افتخار حکم گریز گاهی را دارد که داوران برای شکستن موج انتقادات بعد از قضاوت از آن استفاده می‌کنند چنانکه گهگاه چنین نقشی هم ایفا می‌کند اما در عین حال، بسیاری مواقع هم شایستگی‌های مشابه آثار است که داوران را به صرفت می‌اندازد جز برنده سیمیرغ بلورین، تفاوتی میان یکی دیگر از نامزدها با دیگران قائل شوند. تصمیمی که با توجه به آنکه آیین نامه جشنواره در باره ممنوعیت اهدای دو سیمیرغ در هر رشته صراحت دارد، به اهدای دهها دیپلم افتخار در طول تاریخ جشنواره سی و هفت ساله فجر انجامیده است. اگر سیمیرغ جشنواره را مدال طلا فرض کنیم، دیپلم افتخار نوعی مدال نقره‌ای است که به فراخور کیفیت فیلم‌های حاضر در جشنواره، استفاده داوران ادوار مختلف جشنواره از «امکان» اهدای آن متفاوت بوده است، طوری که در برخی ادوار، هیچ دیپلم افتخاری اهدا نشده و در برخی دوره‌ها آنقدر عبارت «دیپلم افتخار» در اختتامیه تکرار شده که گویی داوران سعی داشته‌اند هیچ شرتکت‌کننده‌ای را بدون جایزه به خانه نفرستند. مروری بر بعضی از مهم‌ترین دیپلم‌های اهداشده در این تاریخ پرفراز و نشیب خالی از لطف نیست.





شاید بعضی‌ها تصور کنند که دیپلم افتخار حکم گریزگاهی را دارد که داوران برای شکستن موج انتقادهای بعد از قضاوت از آن استفاده می‌کنند اما در عین حال، بسیاری مواقع هم شایستگی‌های مشابه آثار است که داوران را به صراحت می‌اندازد تا جز برنده سیمرغ بلورین، تفاوتی میان یکی دیگر از نامزدها با دیگران قائل شوند.

افتخار دریافت کرد.

دو دیپلم همه‌فن‌حریف

حمید جبلی بازیگر محبوب سینمای ایران از جمله افرادی است که دو دیپلم افتخار در کارنامه‌اش دارد. یکی برای نوشتن فیلمنامه «بسر مریم» که در جشنواره هفدهم مورد توجه هیات داوران قرار گرفت و دیگری در دوره بیستم که به خاطر بازی در فیلم «خواب سفید» شایسته دریافت دیپلم افتخار دانسته شد.

دیپلم‌های اسعدیان

همایون اسعدیان از جمله کارگردانان شناخته‌شده سینمای ایران است که هرچند هرگز نتوانسته سیمرغ بهترین کارگردانی را دریافت کند اما در دریافت دیپلم افتخار رکورددار است و در جشنواره‌های نوزدهم و بیست و هشتم برای دو فیلم «آخر بازی» و «طللا و مس» مورد تقدیر هیات داوران قرار گرفته است.

دیپلمه خردسال

در چهارمین دوره جشنواره فجر، ابوالفضل جلیلی با فیلم «بهار» شرکت کرد. بازیگر نوجوان این فیلم به نام مهدی اسدی که آن زمان ۱۲ سال داشت، به خاطر بازی در نقش یک مهاجر جنگ تحمیلی دیپلم افتخار بازیگری دریافت کرد. او تا امروز هم هنوز جوان‌ترین بازیگری است که برای دریافت دیپلم افتخار روی صحنه اختتامیه فجر رفته است.

دیپلم به افتخار سن و سال

یکی از جالب‌ترین و در عین حال عجیب‌ترین دیپلم‌های افتخار تاریخ جشنواره در دوره بیست و نهم اهدا شد. جایزه‌ای با عنوان «دیپلم افتخار مسن‌ترین کارگردان» که شاپور قریب به خاطر فیلم «ملاقات» آن را دریافت کرد.

از اسکار تا دیپلم افتخار

فیلم «جدایی نادر از سیمین» یکی از دو فیلم برنده اسکار ایران، در جشنواره بیست و نهم دو دیپلم افتخار در بخش بازیگری دریافت کرد. شهاب حسینی به عنوان بازیگر نقش مکمل مرد و ساره بیات بازیگر نقش مکمل زن فیلم اصغر فرهادی برندگان دیپلم افتخار بازیگری در این جشنواره بودند. در آن سال حامد بهداد برای بازی در فیلم جرم و مهتاز افشار برای بازی در سعادت‌آباد سیمرغ‌های این دو بخش را دریافت کردند.

دیپلمه بازیگران مرد: پرویز پرستویی

پرویز پرستویی از پرافتخارترین بازیگران مرد ایرانی در ادوار جشنواره فیلم فجر است. او در کسب دیپلم افتخار بهترین بازیگر مرد هم رکورددار است. پرستویی دوبار در دوره‌های دوم و چهاردهم جشنواره برای بازی در فیلم‌های «پار عاشقان» و «لیلیا با من است» دیپلم افتخار بازیگری گرفته است.

دیپلمه بازیگران زن: پروین دخت

یزدانیان

زنده‌یاد پروین دخت یزدانیان را اغلب به عنوان «مادربزرگ مجید» به خاطر می‌آورند. بازیگری که با بازی در فیلم‌های پسرش کیومرث پوراحمد به شهرت و محبوبیت رسید. او در دوره پیاپی یازدهم و دوازدهم جشنواره فجر به خاطر بازی در سه فیلم «شرم»، «صبح روز بعد» (هر دو در یک‌سال) و «نان و شعر» دیپلم افتخار بازیگری دریافت کرد.

چشم‌های دیپلمه

محمود کلاری که در کسب سیمرغ‌های جشنواره هم ید طولی‌ای دارد، در کنار حسن پویا، یکی از دو فیلمبردار است که توانسته‌اند با دریافت دو دیپلم افتخار در دوره‌های مختلف جشنواره در صدر فهرست دارندگان دیپلم افتخار تصویربرداری فیلم فجر قرار بگیرند. حسن پویا برای دو فیلم «روبان قرمز» و «راه بهشت» و محمود کلاری برای فیلم‌های «درخت گلابی» و «جاده‌های سرد» دیپلم افتخار جشنواره فجر را به خانه برده‌اند.

۲۰ دیپلم افتخار در یک شب

فکر می‌کنید در تاریخ جشنواره فجر رکورد تعداد دیپلم افتخار اهدایی به شرکت‌کنندگان چند دیپلم بوده است؟ از نظر تعداد دیپلم‌های اهدایی، دوره سی‌ام جشنواره فیلم فجر که در بهمن ماه ۱۳۹۰ برگزار شد رکورددار است. در این دوره از جشنواره ۲۰ دیپلم افتخار در رشته‌های مختلف اهدا شد. بعد از دوره سی‌ام، دوره‌های بیست و نهم و بیست و هشتم به ترتیب با ۱۵ و ۱۳ دیپلم افتخار در رده‌های بعدی قرار دارند.

ابراهیم خان، سناریست سینما

تنها کسی که دوبار دیپلم افتخار بخش فیلمنامه جشنواره فجر را کسب کرده، ابراهیم حاتمی‌کیا کارگردان پرافتخار جشنواره فجر است. حاتمی‌کیا در فجر هشتم برای فیلمنامه «مهاجر» و در دوره بیست و چهارم برای فیلمنامه «به نام پدر» دیپلم

رکورد داران دریافت دیپلم افتخار جشنواره فیلم فجر



اگر سیمرغ جشنواره را مدال طلا فرض کنیم، دیپلم افتخار، نوعی مدال نقره‌ای است که به فراخور کیفیت فیلم‌های حاضر در جشنواره، استفاده داوران ادوار مختلف جشنواره از «امکان» اهدای آن متفاوت بوده است، طوری که در برخی ادوار، هیچ دیپلم افتخاری اهدا نشده و در برخی دوره‌ها آنقدر عبارت «دیپلم افتخار» در اختتامیه تکرار شده که گویی داوران سعی داشته‌اند هیچ شرکت‌کننده‌ای را بدون جایزه به خانه نفرستند. مروری بر بعضی از مهم‌ترین دیپلم‌های اهداشده در این تاریخ پرفراز و نشیب خالی از لطف نیست.



سه وهفتم
فصلنامه سینمایی و فرهنگی



بهروز پرستویی

۲ دیپلم افتخار برای بازی در سه فیلم «شرم»، «صبح روز بعد» (در یکسال) و «نان و شعر»



نان و شعر

شرم



بهروز پرستویی

۲ دیپلم افتخار برای بازی در فیلم‌های «دیار عاشقان» و «لیلی با من است»



لیلی با من است

دیار عاشقان



محمود کلاری

۲ دیپلم افتخار برای فیلم‌های «درخت گلایی» و «جاده‌های سرد»



درخت گلایی



جاده‌های سرد



حسن پویا

۲ دیپلم افتخار برای فیلم‌های «روبان قرمز» و «راه بهشت»



روبان قرمز



راه بهشت



ابراهیم حاتمی کیا

۲ دیپلم افتخار فیلمنامه برای «مهاجر» و «به نام پدر»



مهاجر



به نام پدر



همایون اسعدیان

۲ لوح تقدیر هیات داوران برای فیلم‌های «آخر بازی» و «طلا و مس»



آخر بازی



طلا و مس



حمید جبلی

۲ دیپلم افتخار یکی برای فیلمنامه «پسر مریم» یکی برای بازی در «خواب سفید»



پسر مریم



خواب سفید





چرخه فیلم‌های چریکی ۱۳۵۸/۱۳۶۱

اسلحه به جای چاقو چریک به جای جاهل

علی‌زاده‌حمودی

فیلم در سینماها از سرگرفته شد. نمایش فیلم‌های خارجی با رویکردهای روشن سیاسی (زد، حکومت نظامی، اعتراف، دست کثیف استعمار، شب روی شیلی و ...) و نسخه‌های کوتاه‌شده برخی فیلم‌های ایرانی قدیمی که مناسب با فضای انقلابی آن سال بودند، برنامه سینماها را تشکیل می‌دادند. اما به راه افتادن دوباره تولید نیازمند روشن شدن قوانین تولید و ممیزی و ثبات شرایط بود. دفاتر با سابقه سینمایی منتظر تثبیت اوضاع بودند. مصادره پارس فیلم و میثاقیه به عنوان دو دفتر بزرگ تولید فیلم برخی از مدیران استودیو‌ها را از ادامه تولید کاملاً منصرف کرد.

برخی که همیشه متردد حضور در صحنه اول سینمای ایران بودند، با این تحلیل که مانع اصلی بروز استعداد و خلاقیت آنان مافیای تولید و نمایش فیلم‌های ایرانی بوده و با حذف گروه دیگر اکنون باید هنر خود را به نمایش بگذارند، وارد صحنه شدند. ستار هریس داداش‌زاده (فیروز) از کجیست‌های باسابقه باشگاه‌های تهران و بازیگر نقش‌های دوم منفی سینمای ایران، با ایده ساخت فیلم انقلابی وارد گود می‌شود.

صنعت تولید فیلم ایرانی در میانه دهه پنجاه با دو بحران روبه‌رو بود: اول مقابله نابرابر با واردات فیلم خارجی و تامین فیلم مناسب برای مخاطبانی که با گسترش تلویزیون از قراردادهای روایی و تولیدی سینمای ایران راضی نبودند، شرایطی که باعث شد استودیوهای با گردش مالی کوچک یا تعطیل شده یا به واردات فیلم رو آورند. استودیوهای بزرگ نیز یا منتظر پایان بحران با کمک دولت بودند یا روی تولیدات بزرگ و پرهزینه و متمایز از الگوهای صنعت فیلم ایرانی متمرکز شده بودند. نگاهی به پر فروش‌ترین فیلم‌های سال‌های ۵۴ تا ۵۶ نشان می‌دهد که درک تغییر در الگوهای روایی و تولیدی سینمای ایران به تولید فیلم‌هایی متفاوت منجر شده است. الگوهای تازه شرایط صحنه و پشت صحنه سینمای ایران را نشانه گرفته بود. واقعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در مرداد سال ۵۷ تولیدکنندگان اندک‌را از ادامه تولید، کاملاً منصرف و همه سینمای ایران را تعطیل کرد. این تعطیلی ابتدا در اکران و سپس در تولید خود را بروز داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برگزاری رفراندوم، نمایش



رواق ساخت فیلم‌های چریکی در سال‌های ابتدایی انقلاب حتی از عناوین فیلم‌ها هم کاملاً مشخص است. عناوینی که در دل خود نوعی مبارزه علیه استبداد و ظلم و جور را پدک می‌کشند.

شماره دوم، شنبه ۱۵ دی ۱۳۹۷

سروششم



که آن‌ها را چرخه فیلم‌های چریکی می‌نامیم. این چرخه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ با تولید ۹ فیلم زنده بود. از فریاد تا ترور (منصور تهرانی)، طلوع انفجار (پرویز نوری) و سرباز اسلام (امان منطقی) از فیلم‌های شاخص این چرخه هستند که به نمایش درآمدند و فروش داشتند. در ادامه، فیلم‌هایی چون راهی به سوی خدا (جلال مهربان)، انفجار (ساموئل خاچیکیان)، سیم‌خاردار (م. معدنیان) و شجاعان ایستاده می‌میرند (عباس کسائی) از فیلم‌های شاخص چرخه فیلم‌های نبرد مسلحانه/ چریکی بودند که هرگز به نمایش عمومی درنیامدند.



قصد او بازسازی یک تریلر حادثه‌ایی بر اساس واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود. مهدی معدنیان (نویسنده و دستیار کارگردان) برای کارگردانی دعوت شد. تولید، به سرعت به پایان رسید. نتیجه، ساخت فیلمی به نام فریاد مجاهد است که به عنوان اولین تولید سینمای پس از انقلاب، برنامه عید فطر سال ۱۳۵۸ سینماهای تهران می‌شود.

با اینکه اکران فریاد مجاهد با مخالفت‌های مطبوعات که فیلم را کاسبکارانه و انقلابیون که فیلم را متناسب با وقایع انقلاب و مبارزات مردمی نمی‌دانستند، چندیار قطع شد، اما فروش مناسبی داشت. علاقه مردم کنجکاو که می‌خواستند



فیلم‌های چرخه چریکی تریلرهای حادثه‌ایی بودند که مبنای هیجان و تحرک داستان بر رویارویی فیزیکی دو طرف محاصمه یعنی، مبارزان و ساواکی‌ها شکل می‌گیرد. تلفیق با الگوهای مولودرام که در سینمای ایران بسیار رایج است در این چرخه کم‌یاب است. کاهش نقش زنان به عنوان عامل

تصویر بهمن مفید در هیات یک مبارز سیاسی و فیروز را در قامت یک فعال مدنی ببینند، فروش فیلم را افزایش داد. نتیجه موفقیت اقتصادی فریاد مجاهد به جریان تولید فیلم‌هایی منجر شد که اساس آن‌ها روایت داستان‌هایی درباره مبارزات سازمان‌دهی شده و مسلحانه در دوران پهلوی بود. فیلم‌های



مضمون خاص چرخه فیلم‌های جاهلی در چرخه فیلم‌های چریکی در فیلم طلوع انفجار و استفاده از روابط مردانه برای بیان مفاهیم انسانی در اغلب فیلم‌های چریکی که ادای دینی روشن به فیلم‌های جاهلی شمرده می‌شود، از نمونه‌های تلفیق فیلم‌های چریکی با نمونه‌های دیگر است.

ترانه فیلم یار دبستانی من با صدای جمشید جم و آهنگسازی منصور تهرانی، مهم‌ترین یادگار فرهنگی چرخه فیلم‌های چریکی در فضای فرهنگی ایران بعد از انقلاب است.

به نمایش درنیامدن نیمی از تولیدات چرخه فیلم‌های چریکی به دلایل میزی باعث شد که اقبال از تولید این فیلم‌ها به سرعت فروکش کند. فیلم انفجار و شجاعان ایستاده می‌میرند از نمونه‌های شاخصی هستند که حتی با تغییرات عمده در فضای داستان نتوانستند به نمایش عمومی دربیایند. توجیه (منوچهر حقانی پرست) آخرین نمونه این چرخه فیلم‌های چریکی محسوب می‌شود.

تولید فیلم ایرانی درباره مبارزات مسلحانه قبل از انقلاب در چهل سال گذشته در صنعت فیلم ایرانی هرگز متوقف نشد. اما به دلیل شکست تجاری اغلب آن‌ها و همچنین رویکردهای متفاوت درباره تاریخ سینمای انقلاب در سینما، تولید آن‌ها به یک چرخه در میان چرخه تولید فیلم‌های ایرانی تبدیل نشد.

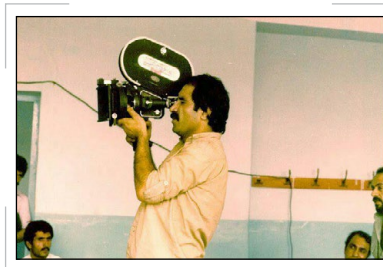
عطوفت و حضور زن به عنوان یک عامل مبارزه در جهان روایی و افزایش روابط مردانه در قالب رفیق حزبی و برادر مبارز دلیل کمبود مایه‌های ملودرام رایج سینمای ایران در فیلم‌های این چرخه‌هاست.

بنیان روایت در چرخه فیلم‌های چریکی، اصالت دادن به صحنه‌های مورد پسند مخاطب است تا روایت علت و معلولی، و البته مستند وقایع. در این فیلم‌ها صحنه‌های پخش اعلامیه و گوش دادن به سخنرانی و جمع شدن در خانه‌های تیمی، روابط انسانی و گذشت‌های بزرگ در بین مبارزان شهری، ترور و اجرای نقشه ترور، شناسایی و لورفتن خانه تیمی، شکستجه، مکان‌های مخوف شکستجه؛ روابط غیر انسانی در بین ساواکی‌ها، درگیری و گریز، درگیری و شهادت مبارزان و مرگ ساواکی‌ها، مبنای جذابیت این دست فیلم‌ها محسوب می‌شدند، تا آنجا که فیلم‌ها به‌طور متناوب بدون توجه به روند روایت خود از این صحنه‌ها استفاده می‌کردند.

شخصیت‌پردازی براساس چهره روایی آدم‌ها از مهم‌ترین الگوهای روایی فیلم‌های این چرخه است. آدم‌های داستان نیز بر اساس چهره‌بندی آنان از الگوهای شخصیت‌پردازی تبعیت می‌کنند. مبارزان دارای همه خصائل نیک و انسانی و اخلاقی و مخالفان (ساواکی‌ها) دارای همه خصائل غیر انسانی و زشت و هیولایی هستند.

استفاده از الگوهای سینمای عامه‌پسند ایرانی در چرخه فیلم‌های جاهلی در سینمای چریکی باعث به‌کارگیری تعابیری چون «مجاهد بازی به جاهل بازی» و «زنگ عوض کردن فیلم فارسی» درباره این فیلم‌ها در مطبوعات آن سال‌ها شده بود.

تلفیق مایه‌های موفق فیلم‌های چرخه‌های دیگر فیلم‌های ایرانی در این فیلم‌ها نیز قابل ردگیری است. رفاقت مبارز/معتاد و تحول در معتاد از فیلم گوزن‌ها (مسعود کیمیایی) و نیز در فیلم از فریاد تا ترور، موضوعات ناموسی به عنوان



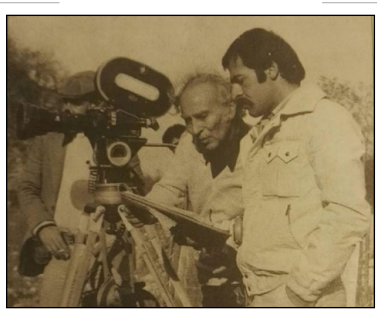


شکنتجه و صحنه آزار نیروهای انقلابی توسط عوامل ساواک از صحنه های همیشگی فیلم های چریکی. صحنه ای از فیلم فریاد مجاهد.

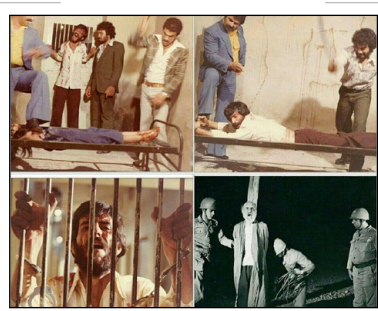
عکس: فتو کسری، رضا ذوالفقاری



منصور تهرانی و عزت الله رضائی فر در پشت صحنه فیلم از فریاد تا ترور. عکس محمود علیزاده



اصغر هاشمی (دستیار) و ساموئل خاچیکیان (کارگردان) در پشت صحنه فیلم به نمایش در نیامده اتفجار.



شجاعان ایستاده می میرند، فیلمی که سرشار از صحنه های شکنتجه و اعدام و درگیری است. عکاس: ناشناس

گذری بر ادوار جشنواره با سید جمال ساداتیان

تنها خاطره است که می ماند

نسرین بختیای

زمانی که امام خمینی در آغاز انقلاب گفتند: «ما با سینما مخالف نیستیم بلکه با فحشا مخالفیم»، زنگ ادامه کار در سینما به صدا درآمد و خط مشی فیلمسازی که دوست داشتند در کشور خود فعالیت هنری را ادامه دهند، به نوعی مشخص شد. چهل سال از انقلاب می گذرد و در این سالها سینمای ایران با فراز و فرودهای بسیاری دست و پنجه نرم کرده است. از دهه های ۶۰ و ۷۰ که از آن به عنوان دوران طلایی سینما یاد می شد، تا دوره ای که فضا برای ادامه کار سینماگران گاهی تنگ تر و دشوار تر شد. در تمام این سی و هفت دوره، چراغ جشنواره فیلم فجر با وجود تنگناها و انتقادهای بسیاری که نسبت به آن وجود داشت، روشن مانده است. بد نیست نگاهی به گذشته بزنیم و از فیلمسازان و صاحب نظران درباره روند طی شده و معایب و نقایص جشنواره فجر و سینمای ایران در این چهل سال پرس و جو کنیم. سید جمال ساداتیان از تهیه کننده های با سابقه سینما به پرسش های بولتن سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر درباره تحولات سینمای پس از انقلاب پاسخ داده است که می خوانید.

وضعیت سینمای ایران را نسبت به چهل سالی که از انقلاب می گذرد، چطور ارزیابی می کنید؟

سینمای ایران همیشه با فراز و فرود همراه بوده و در دوران مختلف، سلايق در مدیریت سینما خیلی حاکم بوده است تا اینکه سینما قانونمند شود. سینما یک وجه سرگرمی، یک وجه برای تصویر زندگی مردم و همچنین وجهی برای اندیشه دارد. در بیشتر دوران ها مردم از سینمایی که وجه سرگرمی داشته نسبت به سینمایی که وجه بازر آن اندیشه بوده





باشد و دست‌اندرکاران تولید آثار هنری فارغ از ممیزی‌ها و برخوردهای سلبی بتوانند آثار خود را بسازند. به لحاظ کیفی در این چهل سال نیروهای خوبی تربیت کردیم و جایزه‌های در دنیا نیست که سینمای ایران نگرفته باشد و جایگاه بسیار خوبی داریم، اما اگر به لحاظ محتوایی شرایطی بهتر باشد داشتیم و بعضی کج‌سلیقگی‌ها مانع این نمی‌شد که سینما خطامشی و چرخه طبیعی خود را طی کند، قطعاً شرایط فیلم‌های ما در خارج از کشور بهتر از امروز می‌شد و برای مخاطب داخلی نیز می‌توانست جذابیت بیشتری داشته باشد. دخالت زیاد در فیلم‌ها گاهی موجب شده بخش بسیاری از مخاطبانی که می‌توانستند جذب سینمای ایران شوند را از دست بدهیم.

چه خاطره‌ای از جشنواره فیلم فجر و فیلم دیدن در جشنواره از شروع تا به امروز دارید؟

اوایل انقلاب هیجانات دیگری در سینما حاکم بود و فیلم‌هایی که به موضوع انقلاب و رژیم گذشته می‌پرداختند، نمایش داده می‌شد و برای ما جذاب بود، اما حالا که به آن عملکردها نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که به جای تمرکز روی وجوه اندیشه‌ای، بیشتر فیلم‌ها احساسی بوده‌است. وقتی فیلم «چهارشنبه سوری» به کارگردانی اصغر فرهادی را داشتیم، جزو فیلم‌های اولی بود که تهیه‌کننده آن بودم و همان زمان با اقبال منتقدان، هیأت‌داوران و مردم روبه‌رو شد و توانست جایزه مردمی بگیرد و این اولین جایزه مردمی من در آن جشنواره بود. واکنش‌هایی که سالیان فکری مختلف نسبت به فیلم نشان می‌دادند، برایم جالب بود. به‌خاطر می‌آورم تهیه‌کنندگی فیلم «به رنگ ارغوان» را به عهده داشتم که می‌توانست در زمان خود اکران شود، اما پنج سال توقیف شد و از گردونه رقابت جشنواره بیرون گذاشته شد. در آن سالی هم که توانست مجوز نمایش بگیرد و به جشنواره بیاید، عنوان بهترین فیلم را به دست آورد. این سؤال همیشه برایم وجود داشت که به چه دلیل فیلم توقیف شد و اگر بد بود، چرا در جشنواره‌های بعدی با استقبال «دوان» روبرو شد و برای فیلم «دایره زنگی» نیز همین وضعیت به‌وجود آمد که بعد از یک اکران در جشنواره فجر، از جدول جشنواره خارج شد. به هرحال باز تأکید می‌کنم که همیشه این فراز و فرودهاست که جشنواره فیلم فجر را برای ما بدل به خاطره می‌کند.

است، بیشتر استقبال کرده‌اند. بیشتر نویسندگان و کارگردانان که در حوزه اندیشه صحبت کردند و فیلم ساختند، به سختی فیلم‌های خود را از مجاری اداری عبور دادند. در چهل سال گذشته، موضوع ممیزی در سینمای ما در مقاطعی تشدید شد و خیلی صدمه زد. در مجموع، همواره نقش مدیریت دولتی چه در فیلمسازی و چه در سینماداری خیلی حاکم بوده است و همه این مسائل باعث شد که فراز و فرود مدیریتی در سینما زیاد داشته باشیم. معمولاً گفته می‌شود که آدم‌هایی که به چهل سالگی می‌رسند، از تعقل خوبی برخوردار می‌شوند و این خودش یک‌جور دلگرمی است، از این‌رو امیدواریم که روزهای خوبی در انتظار سینما باشد.

سی و هفت دوره از جشنواره فجر می‌گذرد، چه محاسن یا معایبی در آن می‌بینید؟

جشنواره فجر از آغاز با جشنواره فیلم فجر عجین شد و به دلیل پررنگ کردن ایام فجر سعی کردیم جشنواره‌های موسیقی، سینما و تئاتر را برقرار کنیم. معمولاً مردم بیشتر به سینما علاقه‌مند هستند و می‌توانند چکیده فیلم‌های یکسال آینده را در این ۱۰ روز ببینند و همین موجب شکل‌گیری جشنواره فجر شد. فارغ از اینکه جشنواره حضور مدیریت می‌شود، برای کسانی که فیلم می‌سازند و در معرض قضاوت قرار می‌گیرند، خوب است و دوست دارند، بدانند در این بازار قضاوت چه جایگاهی دارند. هیجاناتی که مردم در ایام فجر از خود بروز می‌دهند به دست‌اندرکاران یا تولیدکنندگان اثر منتقل می‌شود و فیلمسازان نیز علاقه‌مندند که فیلم‌های آنان در جشنواره دیده شود و جایزه بگیرند و در رده مناسبی باشند. به این دلیل که تمایلات دولتی در سینما وجود داشت، در مقاطعی هم مشاهده کردیم که فرامین دولتی در قضاوت جشنواره تأثیرگذار بوده‌است و در مجموع این فراز و فرود در تمام زمینه‌ها دیده می‌شود.

فکر می‌کنید سینمای چهل سال قبل ایران چه مشخصه‌ای داشته که در حال حاضر نمی‌بینیم و سینمای امروز چه ویژگی‌هایی دارد که در گذشته وجود نداشته است؟

قصد تخطئه سینمای قبل از انقلاب را ندارم و به هر حال در آن زمان هم فیلم‌هایی ساخته می‌شد که قابل اعتنا بود، اما تعداد آن زیاد نبود. شعار انقلاب ما فرهنگی بود و توقع داشتیم در ساخت فیلم‌ها سخاوت و طمأنینه لازم وجود داشته

سلیقه‌های متفاوت قدرت سینما را بیشتر می‌کند

محمدجواد حق شناس
عضو شورای شهر تهران

و از تماشای آن‌ها لذت بردم. از جمله این فیلم‌های مورد علاقه‌ام یکی «سرو زیرآب» و یکی هم «تنگه ابوقریب» بود. «تنگه ابوقریب» نشان داد سینمای ایران به لحاظ تکنیکی و قدرت فنی توانسته به خوبی از محدودیت‌ها عبور کند و نگاه ملی میهنی «سرو زیرآب» هم واقعا ستودنی بود.

بضاعت ما بیشتر از این‌هاست

این روزها گرچه رکوردهای فروش سریع‌تر از گذشته جابه‌جا می‌شود، اما بسیاری از منتقدان معتقدند یک‌سری از فیلم‌های پر فروش در چارچوب و معیار سینمای ایران نیستند و در عین حال رکورد فروش را هم جابه‌جا می‌کنند. متأسفانه کیفیت سینماها هم مانند محتوای برخی فیلم‌ها چندان مطلوب نیست. این مسأله را هم اهالی سینما باید مورد بررسی قرار دهند و هم ما در مدیریت شهری با تمام قوا برای رفع کمبودها اقدام کنیم. اما بهبود شرایط تکنولوژیک و فنی در سینما هم فرصت بسیار خوبی برای سینمای ایران فراهم کرده تا اهالی سینما بتوانند در کنار سینمای جهانی رشد کنند.

و دیده شوند. اگر بخواهیم دقیق‌تر درباره سینمای ایران حرف بزنیم، می‌توانیم از مکتب سینمای ایران در جهان سخن بگوییم. سینمای ما با تمام مشکلات و محدودیت‌ها یک پیام انسانی را منتقل می‌کند و این اصلا موضوع ساده‌ای نیست.

مسیر درخشان

مسیر ۳۷ ساله‌ای که جشنواره فیلم فجر طی کرده مسیر درستی بوده‌است. البته از فراز و فرودهای جشنواره فیلم فجر هم نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. به هر حال مسیری که آغاز شد و روندی که شکل گرفت، همه این موارد در کنار هم و با هم رشد سینمای ایران را رقم زده و اگرچه ممکن است برخی از سینماگران نگاه متفاوتی با یکدیگر داشته باشند، اما همه این نگاه‌ها و سلیقه‌های متفاوت در کنار هم، قدرت سینمای ایران را شکل می‌دهند.

من یکی از مشتری‌های پر و پا قرص جشنواره فیلم فجر در تمام این سال‌ها بودم. در سال‌های اولیه شکل‌گیری جشنواره فجر در دهه ۶۰ و در دورانی که هنوز جنگ ابعاد گسترده‌ای داشت، بهمن‌ماه فرصتی شد تا مردم با یاد



روزهای با شکوه انقلاب در جشنواره شرکت و فرصتی برای گفت‌وگو در مورد فیلم‌ها را تجربه کنند. واقعیت این است که سینما در مقایسه با دیگر هنرها توانست فرصت بیشتر، موقعیت مناسب‌تر و جهش بلندتری در سال‌های بعد از انقلاب داشته باشد. سینمای ما بعد از انقلاب با یک دگرذیبی توانست چهره‌ی را تجربه کند که منجر به اعتلای نام ایران و سینمایش در دنیا شود.

عاشق «تنگه ابوقریب» هستم

اصلا لازم نیست برای یادآوری بهترین فیلم‌هایی که در جشنواره فیلم فجر دیده‌ام خیلی در ذهنم مرور کنم و به عقب برگردم. همین سال گذشته هم من با چند فیلم واقعا ارتباط برقرار کردم



عجب محافظان تاریخی درجه یکی هستند این عکس‌های زرد شده، این خاطرات کهنه روزهای دور؛ نشان‌هایی از دیروز که امروز هم تازه‌اند و تازه نیز خواهد ماند. این صفحه یادواره‌ای ست برای عکس‌ها و حرف‌هایی که به دل و ذهن قاب شده است. نشان‌هایی که هستند تا به همیشه...

● القصه که خوب تیکه‌ای بود

کی؟

● کی نه، چی.

- خب چی؟

● همون سکانس جیگرکی دیگه. «پنجاه و هفت و هشت همه می فروختن،

تو چه جوری خریدی، قریون اون زخم قمت»...

- آهان؛ برا کی بود؟

● «سلطان»

- آره راستی، سلطان کیمیایی

● آره دیگه؛ «سلطان» کیمیایی

- حالا این عکس برا کیه؟ هر چی هست باید واسه خیلی دورتر از اینا باشه

آره، به هرحال زودتر آمارشو درآر. خیلی جا نمونه برام

- تاریخ عکسو بیخیال، بذار منم به خط ازش بگم برات بذاری واسه آخرای

همین پنجره‌ای که داره بسته میشه

● چی؟

- چی نه کی؟

● خب کی؟

- ثریا

● ثریا؟

- آره دیگه. «قرار سرخی آسمان زمستان در شب، برف روز است. اما نه برف

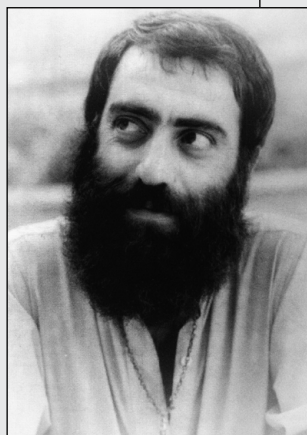
آمدنه ثریا».

● اینم که به نظر دور از عکسه...

- از عکس آره، اما از صاحبش نه.

● پس به نظرم با همین ببندیم پنجره رو، تا بلکه اول زمستونی هم ما سر

قرارمون وایساده باشیم، و هم این بار شاید سرخی آسمان در شب....



فقط یک کارگردان فیلسوف می‌توانست چنین بی‌نقص از پس عشق ابراهیم و لرز بر سر ایمان و تمنای یاری از مراد برآید. و داریوش مهرجویی، سنگ «هامون» را بر زمین سینمای ایران کوبید، سنگی از جنس سینما، سودا، و البته سیمرغ.





۵ فیلم مستند جشنواره سی و هفتم مشخص شد

حقیقت‌های فجر

تنوع موضوعی و کیفیت حرفه‌ای، شاید مهم‌ترین نکات هیات انتخاب بخش مستند جشنواره سی و هفتم برای رسیدن به فهرست نهایی فیلم‌ها بود. هیات انتخاب بخش مستند این دوره از جشنواره با همین رویکرد، سه‌شنبه شب یازدهم دی‌ماه، اسامی مستندهای راه‌یافته به جشنواره را اعلام کردند. براساس آرای این هیات فیلم‌های «بهارستان خانه ملت» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی بابک بهداد، «تمام چیزهایی که جای‌شان خالی است» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی زینب تبریزی، «خانه‌های برای تو» به تهیه‌کنندگی مهدی شامحمدی و کارگردانی مهدی بخش‌مقدم، «دلیند» به تهیه‌کنندگی الهه نوبخت و کارگردانی یاسر طالبی و «نت‌های مسی یک رویا» به تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی و کارگردانی رضا فرهنگ‌به عنوان پنج مستند حاضر در این دوره از جشنواره فیلم فجر برگزیده شدند.





تفام چیزهایی که جایشان خالی است



زینب تبریزی مستند «تمام چیزهایی که جایشان خالی است» را با موضوع زندگی دو زن به نام‌های مهناز و جمیله ساخته است. هردوی این زنان به سرطان سینه مبتلا بوده‌اند. یکی با وجود مبارزه‌های طولانی از دنیا می‌رود و دیگری بعد از بهبودی کامل، به فعالیت‌های خیریه و آگاهی‌بخش به بیماران مبتلا مشغول می‌شود.

بهارستان خانه ملت



فیلم مستند «بهارستان خانه ملت» توسط بابک بهداد تهیه و کارگردانی شده است. او در فیلم جدید خود جغرافیای تاریخی و اجتماعی منطقه بهارستان تهران را از دوره ناصرالدین شاه تا سال ۱۳۵۷ به تصویر کشیده است. بابک بهداد آثاری چون «نامه»، «نخل روز دهم» و «یادداشت‌های روزانه یک مسافر» را در کارنامه دارد.

نت‌های مسی یک رویا



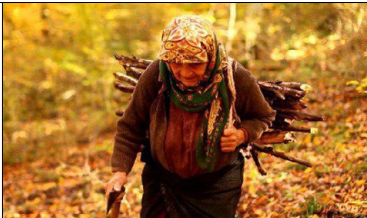
رضا فرهنگد کارگردان و مرتضی شعبانی تهیه‌کننده «نت‌های مسی یک رویا» هستند. فرهنگد پیش از این مستندهای «آزادی»، «لطفاً بوق بزنید» و «زنانی با گوشواره‌های باروتی» را کارگردانی کرده است. «نت‌های مسی یک رویا» به موضوع کودکان فلسطینی می‌پردازد.

خانه ای برای تو



مهدی بخشی‌مقدم «خانه‌ای برای تو» را به تهیه‌کنندگی مهدی شامحمدی ساخته است که روایت داوود جوان ۳۰ ساله گیلانی است که کمتر از یک سال از ازدواجش می‌گذرد و ورشکسته شده است. او همزمان متوجه می‌شود که به سرطان پیشرفته‌ای دچار شده و در این شرایط برای زندگی‌اش تصمیمات جدیدی می‌گیرد.

دلیند



مستند «دلیند» را یاسر طالبی کارگردانی و الهه نوبخت تهیه کرده است. این مستند قصه زندگی دشوار، اما به دلخواه یک مادر ۸۳ ساله و تنها به نام «فیروزه» است که زندگی منحصر به فردی در دل رشته کوه‌های البرز دارد.



جزئیاتی از یک بخش

بلند پروازی فیلم‌های کوتاه

هفت فیلم دارای شرایط حضور در بخش فیلم کوتاه جشنواره سی و هفتم هستند. این فیلم‌ها از میان فیلم‌های کوتاهی که در بخش بهترین فیلم جشنواره فیلم کوتاه تهران و جشن مستقل فیلم‌های کوتاه خانه سینما نامزد بوده و به نمایش در نیامده‌اند، انتخاب شده‌اند. همچنین متقاضی نبودن آن‌ها در دوره‌های قبل نیز از دیگر ملاک انتخاب این هفت فیلم کوتاه بوده است.

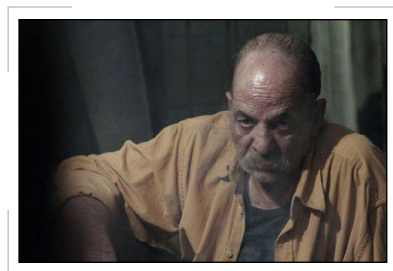
«اس» حامد اصلاتی، «بچه خور» محمد کارت، «تشریح» سیاوش شهبانی، «توهنوز اینجایی» کتابون پرمرو و محمدروحبخش، «دریای تلخ» فاطمه احمدی، «روانسی» سوگل رضوانی و «گسل» سهیل امیرشریفی، هفت فیلم راه یافته به بخش فیلم کوتاه سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر به شمار می‌آیند.



را در نوشتن فیلمنامه همراهی کرده است.

تشریح

سیاوش شهبانی فیلم کوتاه «تشریح» را به تهیه‌کنندگی سوگل شهبانی و مریم کوهکن ساخته است. شهبانی نویسنده فیلمنامه این اثر نیز هست. «تشریح» روایتگر داستان حضور پلیس در یک مدرسه برای بررسی مرگ ناگهانی یک دانش‌آموز است.



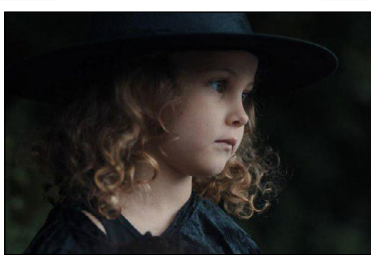
بچه خور

محمد کارت کارگردان فیلم‌هایی چون «آوانتاژ»، «معلق»، «بختک» و «خون مردگی» این بار با «بچه خور» در جشنواره فیلم فجر حضور دارد. در خلاصه داستان «بچه خور» آمده است: «هیچکس عشق کودکانه را جدی نمی‌گیرد اما هیچ چیز زیباتر و قدرتمندتر از عشقی کودکانه نیست.» سیدمازیا هاشمی تهیه‌کنندگی این فیلم را برعهده داشته است و آبان عسکری، کارت



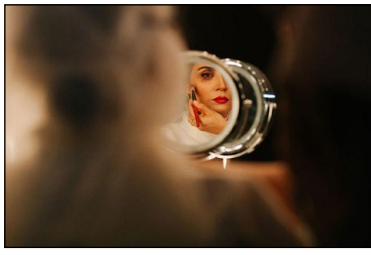
تو هنوز اینجایی

«تو هنوز اینجایی» عنوان دومین پروژه مشترک کتابون پرمر و محمد روجخش است که به طور مشترک کارگردانی و نویسندگی آن را برعهده داشته‌اند. این دو هنرمند پیش از این فیلم «بارسلونا» را با همکاری یکدیگر ساخته بودند. سامان سالور و انجم سینمای جوانان ایران تهیه‌کنندگی این فیلم را برعهده داشته‌اند. در خلاصه این فیلم آمده است: «در تاریکی همه ما شبیه یکدیگریم.»



دریای تلخ

فاطمه احمدی «دریای تلخ» را به جشنواره آورده و تهیه‌کنندگی آن را نیز احمدی به همراه امیلی پارسونز برعهده داشته است. این فیلم داستان ماریا، زن جوان رومانیایی است که به تازگی از همسرش جدا شده و با دختر پنج ساله‌اش به لندن مهاجرت کرده است.



رورانس

«رورانس» نام فیلم کوتاهی به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی سوکل رضوانی است. در خلاصه فیلم «رورانس» آمده است: «عنا که درگیر رابطهای عاطفی با بهرام همبازی تئاترش شده، در شب آخر اجرا تصمیم می‌گیرد از مواجهه با واقعیت بگریزد.»

گسل

«گسل» را امیرشریفی کارگردانی و نویسندگی کرده است. این کارگردان پیش از این نیز در حوزه فیلم کوتاه فعالیت داشته است و «دین» نام اثر پیشین اوست. خلاصه داستان: «دست نهال در یک دعوا در مدرسه می‌شکند اما مردی به مدرسه می‌آید و مدعی است که نهال سوار بر موتور پسرش با کسی تصادف کرده است.»



اس (s)

حامد اصلانی با پنجمین فیلم کوتاه خود با نام «اس (s)» در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر حضور خواهد داشت. اصلانی در کنار کارگردانی، فیلمنامه این فیلم را نیز خود نگاشته است. «او»، «سه روز بعد از ناکازاکی»، «کورسو» و «دریازگی» آثار پیشین این کارگردان هستند. بهنام سنایی تهیه‌کنندگی این فیلم را برعهده داشته است. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «پدر در جنگل گم شده است، مادر پلیس خبر می‌کند، پلیس از پسر بچه بازجویی می‌کند.»

بَر سَر «سودا»

۲۲ فیلم بخش مسابقه سینمای ایران معرفی شد

اسامی ۲۲ فیلم حاضر در بخش سودای سیمرخ جشنواره فیلم فجر، بعد از رونمایی از نشان این جشنواره توسط جمشید مشایخی، ظهر روز جمعه چهاردهم دی ماه اعلام شد تا زنگ رقابت در سی و هفتمین جشن سینمای ایران رسمی‌تر از پیش به صدا درآمده باشد.

ایده اصلی



کارگردان و تهیه کننده: آریتا موگویی
فیلمنامه نویس: امیرعربی

بازیگران: بهرام رادان، مریلا زارعی، هانیه توسلی، پژمان جمشیدی، مهرداد صدیقیان و شهناز نوشیر
خلاصه داستان: ایران و اسپانیا برای راه اندازی یک پروژه بزرگ در جزیره هندورابی در جنوب ایران به توافق رسیده اند، شرکت‌ها و افراد بسیاری به طمع برنده شدن در این مناقصه شرکت کرده اند و ...

آشفته‌گی



کارگردان: فریدون جیرانی
تهیه کننده: فریدون جیرانی

فیلمنامه نویس: فریدون جیرانی
بازیگران: بهرام رادان، مهناز افشار، علی میلانی، نسیم ادبی، احسان محمدی، نازنین صلح‌جو و مه‌رمان احمدی
خلاصه داستان: آشفته‌گی رئالیستی و اجتماعی نیست، یک فیلم است درباره عشق و جنایت.



◆ بیست و سه نفر



کارگردان و فیلمنامه نویس: مهدی جعفری
تهیه کننده: مجتبی فرآورده
بازیگران: رضا نوری، مجید پتکی، عبدالحلیم تقی‌بی
خلاصه داستان: روایت گروهی از رزمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای عراقی درآمدند.

◆ بنفشه آفریقایی



کارگردان: مونا زندی حقیقی
تهیه کننده: علیرضا شجاع نوری
فیلمنامه نویس: حمید باباییگی
بازیگران: فاطمه معتمدآریا، رضا بابک و سعیدآقاخانی، مهدی حسینی‌نیا، رویا جاویدنیا، ندا جبرائیلی و مریم شیرازی، تهیه کننده: علیرضا شجاع نوری
خلاصه داستان: زن متوجه می‌شود که همسر اولش فریدون توسط فرزندانش به خانه سالمندان منتقل شده است.

◆ تیغ و ترمه



کارگردان و فیلمنامه نویس: کیومرث پوراحمد
تهیه کننده: علی قائم مقامی
بازیگران: دیبا زاهدی، پژمان بازغی، لاله اسکندری، مهران رجیبی، کوروش سلیمانی، اویسا سجادی، هومن برق‌نورد و شراره رنجبر
خلاصه داستان: «تیغ و ترمه» یک درام ملتهب اجتماعی زنانه است.

◆ پالتو شتری



کارگردان: مهدی علی‌میرزایی
تهیه کننده: مجید شیخ‌انصاری
بازیگران: نسیم درخشانی، بهاره کیان افشار، لیندا کیانی
خلاصه داستان: آگه دشمنید چرا اینقدر با هم می‌پرید؟ آگه دوستید چرا اینقدر به هم می‌پرید؟

◆ جمشیدیه



کارگردان: یلدا جبلی
تهیه کننده: محمد صادق آذین
فیلمنامه نویس: یلدا جبلی و فردین خلعتبری
بازیگران: سارا بهرامی، حامد کمیلی، پانته آ پناهی ها، سعید چنگیزیان، ستاره پسیانی
خلاصه داستان: ترانه و امیر در شب تولد امیر درگیر حادثه ای شده و برای کشف حقایق نهفته در دل حادثه وارد مسیر پیچیده ای می شوند که هرچند در آن پیش می روند امکان بازگشتشان کمتر می شود.

◆ خون خدا



کارگردان و فیلمنامه نویسنده: مرتضی علی عباس میرزایی
تهیه کننده: سیاوش حقیقی
بازیگران: رضا اخلاقی راد، فرید سجادی حسینی، سعید داخ، علیرضا ثانی فر، خسرو احمدی، شیوا ابراهیمی
خلاصه داستان: میثم کارتون خواب است که بعد از سال ها خود درمانی اش را نسبت به اعتیاد آغاز کرده و درد فراوانی را متحمل می شود. او از درد و رنج خسته شده و از صاحب عزای محرم می خواهد تا به او کمک کنند.

◆ درخونگاه



کارگردان: سیاوش اسعدی
تهیه کننده: منصور سهراب پور
فیلمنامه نویس: نیما نادری و سیاوش اسعدی
بازیگران: امین حیایی، جمشید هاشم پور، ژاله صامتی، مهرآور شریفی نیا، پانته آ پناهی ها، محمود جعفری و منصور شهبازی.
خلاصه داستان: ظهری می آید تا بسازد! اگر نیازد...

◆ سال دوم دانشکده من



کارگردان: رسول صدرعاملی
تهیه کننده: مسعود رزایی
فیلمنامه نویس: پرویز شهبازی
بازیگران: سها نبیانی، فرشته ارسطویی، علی مصفا، پدram شریفی، بابک حمیدیان، ویشکا آسایش
خلاصه داستان: مهتاب و آوا دانشجویان سال دوم دانشکده هستند که به اتفاق تعدادی دیگر از همکلاسی هایشان برای یک سفر چند روزه دانشجویی از تهران به اصفهان می روند...

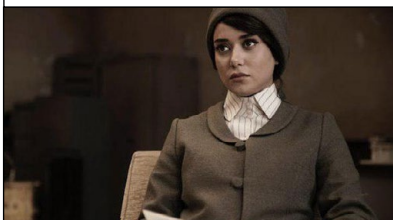


◆ سمفونی نهم



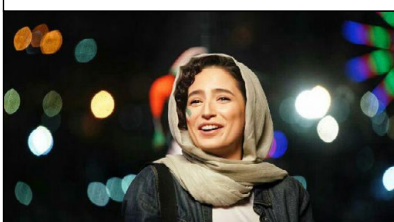
کارگردان: محمدرضا هنرمند
تهیه کننده: زینب تقوایی
فیلمنامه نویس: محمدرضا هنرمند، حامد افضلی
بازیگران: حمید فرخ‌نژاد، ساره بیات، محمدرضا فروتن، مهرداد صدیقیان، علیرضا کمانی، هدی زین‌العابدین، پژمان بازغی
خلاصه داستان: مرگ و عشق دربارنی هستند که در اصل قهرمان زن فیلم را به بهشت می‌برند.

◆ سرخپوست



کارگردان و فیلمنامه نویس: نیما جاویدی
تهیه کننده: مجید مطلبی
بازیگران: نوید محمدزاده، پریناز ایزدیار، مانی حقیقی، ستاره پسیانی، حبیب رضایی، آتیلا پسیانی
خلاصه داستان: سال ۱۳۳۷ زندانی قدیمی در جنوب ایران به دلیل مجاورت با فرودگاه تازه تاسیس شهر در حال تخلیه است. رئیس زندان سرگرد نعمت جاهد به همراه مامورانش مشغول انتقال زندانیان به زندان جدید هستند تا اینکه...

◆ طلا



کارگردان و فیلمنامه نویس: پرویز شهبازی
تهیه کننده: رامبد جوان و محمدحسین شایسته
بازیگران: هومن سیدی، نگار جواهریان، طنناز طباطبایی، احترام برومند، هدی زین‌العابدین، مهرداد صدیقیان
خلاصه داستان: چند جوان قصد راه‌اندازی رستورانی را دارند در این میان پدر یکی از آن‌ها فوت کرده و مبلغ قابل توجهی پول نیز مفقود می‌شود.

◆ شبی که ماه کامل شد



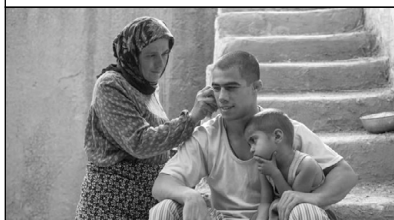
کارگردان: نرگس آبیار
تهیه کننده: محمدحسین قاسمی
فیلمنامه نویس: نرگس آبیار، مرتضی اصفهانی
بازیگران: الناز شاکردوست، هوتن شکیبا، فرشته صدرعرفایی، شبنم مقدمی، پدram شریفی، فرید سجادی حسینی
خلاصه داستان: روایت دختر جوانی از مناطق جنوب شهر تهران هست که درگیر عشق جوانی شهرستانی می‌شود و این در حالی است که دختر به دلایلی مجبور به مهاجرت از ایران است.

قسم



کارگردان و فیلمنامه نویس: محسن تنابنده
تهیه کننده: جلیل شعبانی
بازیگران: مهناز افشار، سعید آقاخانی و حسن پورشیرازی
خلاصه داستان: پنج ساله یه آب خوش از گلوم پایین نرفته، نمی زارم سایه یه خون دیگه رو زندگیم باشه.

غلامرضا تختی



کارگردان: بهرام توکلی
تهیه کننده: سعید ملکان
فیلمنامه نویس: سعید ملکان، بهرام توکلی
بازیگران: محسن تختی، شاهرخ شهبازی، علیرضا گودرزی، امیررضا فرامرزی، ماهر الوند، بهنوش طباطبایی، مجتبی پیرزاد، آتیلا پسیانی، فرهاد آئیش، پریش نظریه
خلاصه داستان: روایتی از زندگی غلامرضا تختی

«ماجرای نیمروز ۲: رد خون»



کارگردان: محمدحسین مهدویان
تهیه کننده: سعید محمود رضوی
فیلمنامه نویس: ابراهیم امینی و حسین تراب نژاد
بازیگران: بهنوش طباطبایی، حسین مهری، هادی حجازی فر، محسن کیایی، هستی مهدوی، جواد عزتی و مهدی زمین پرداز
خلاصه داستان: خونه‌ی افشین رو گشتن، خونه‌ی خواهر منو، به شون نگفتی من کی‌ام؟ نگفتی چه کارایی از دست رفیق‌ات برمی‌آد؟ - بوی سیگار می‌دی. - اینم گزارش کن

قصر شیرین



کارگردان و تهیه کننده: سیدرضا میرکریمی
فیلمنامه نویس: محسن قربایی و محمد داوودی
بازیگران: حامد بهداد، ژیل شاهی، اکبر آیین، آزاده نوبهار
خلاصه داستان: جلال مرادی ۴۲ ساله در طی تصادفی خانواده‌ای را به قتل می‌رساند، اما تصادف در دادگاه غیرعمد شناخته می‌شود، او پس از گذراندن دوران زندان، همسر و فرزندانش را ترک کرده و به شهری دیگر می‌رود، پس از دو سال به شهرش باز می‌گردد زیرا که زنش دچار مرگ مغزی شده است.



مردی بدون سایه



کارگردان و فیلمنامه نویس و تهیه کننده: علیرضا رئیسیان
تهیه کننده: علیرضا رئیسیان
بازیگران: لیلا حاتمی، امیر آقایی، فرهاد اصلانی، علی مصفا، نادر فلاح، گوهر خیراندیش و نسیم ادبی
خلاصه داستان: ماهان کوشیار درگیر ساخت فیلمی درباره قتل‌های زنجیره‌ای است که زندگی خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

متری شیش و نیم



کارگردان و فیلمنامه نویس: سعید روستایی
تهیه کننده: سیدجمال ساداتیان
بازیگران: فرهاد اصلانی، پیمان معادی، نوید محمدزاده و پریناز ایزدیار
خلاصه داستان: در بزنگاه روزهای سخت، اعتیاد و مواد مخدر هم گریبان زندگی مردم این شهر را رها نمی‌کند.

ناگهان درخت



کارگردان و فیلمنامه نویس: صفی بزدانپان
تهیه کننده: پیمان معادی
بازیگران: پیمان معادی، مهناز افشار، شقایق دهقان، مهرباب قاسم‌خانی، سیامک صفری و پاتنه‌آ پناهی‌ها
خلاصه داستان: فرهاد زندگی خود را از کودکی تا ۵۰ سالگی برای روانکاو تعریف می‌کند.

مسخره‌باز



کارگردان و فیلمنامه نویس: همایون غنی زاده
تهیه کننده: علی مصفا
بازیگران: علی نصیریان، هدیه تهرانی، صابر ابر، فرهاد اصلانی و بابک حمیدیان
خلاصه داستان: تو پرورشگاه صدام می‌کردند مسخره باز! اما من مشمت محکمی حواله صورت یکپشون کردم تا داستان رو شروع کنم.



نشست جمع بندی فیلم های مستند

عکس: حسن هندی



نشست رونمایی از پوستر جشنواره و معرفی فیلم های سودای سیرمخ



عکس: معین باقری

خلاصه وزکی

محمد صالحی

چرا فیلم سازان ایرانی چیزی از فیلم شان لو نمی دهند

در خلاصه داستان فیلم آمده است: «حشمت- فکر نمی کردم تاوان اشتباهم رو با تو پس بدم، لیل- زهرمارا» فیلمسازان ایرانی در معرفی فیلم خیلی خسیس اند؛ نم پس نمی دهند. چیزی که در جمله اول خوانندید نهایت دست و دلبازی تهیه کننده ایرانی است. حداقل در این خلاصه فیلم تکلیف مخاطب با اثر روشن است؛ او می داند که باید به تماشای یک فیلم شانه تخم مرغی اسلپ استیک برود. در معرفی فیلم مغزهای کوچک زنگ زده آمده بود: «در باره مغزهای کوچک زنگ زده!» فیلم دوستان با این چهار کلمه باید برای خرید بلیت و تماشای فیلم قانع شوند. این دیگر اسمش تلاش برای اسپویل نشدن فیلم نیست؛ این مخفی کاری است. سازندگان فیلم اگر کمی محافظه کارتر بودند چشم های تماشاگران را قبل از ورود به سینما با چشم بند می بستند و چند دور خودشان می چرخاندند تا نفهمند کجا دارند می روند و اصلا برای چه کاری آمده اند. حتی موقع بستن چشم بندها به آنها می گفتند «هیچ کس نباید از این موضوع خبردار بشه، اگه کسی پرسید کجا داری می روی باید بهش بگی داریم می ریم آمبول بزینم زود برمی گردیم».

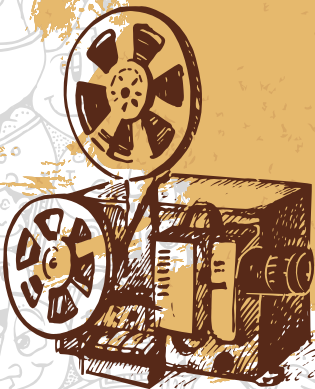
باز هم دم دنمکی گرم که در دو خط فیلم جدیدش را شرح داده و آدم با خیال راحت می تواند بعد از خواندن این دو خط به جای تماشای این فیلم در سینما به قهوه خانه برود و دود بزند بر بدن. قبل از این که دو خط معرفی فیلم را بخوانیم می دانیم که دنمکی در عنوان همه فیلم هایش از پسوند جمع «ها» استفاده می کند؛ «خراجی ها»، «معراجی ها»، «رسوایی ها (دو تا رسوایی)» و حالا «زندانی ها». «کدام پیروزی، کدام استقلال» و «دارا و ندار» چون دو تا اسم در عنوان فیلم وجود داشت نشد جمع شان ببندد. خراجی ها آن قدر با مخاطب خود «ندار» هستند که کامل فیلم را توضیح می دهند؛ انگار داری طرح فیلمنامه را می خوانی. در بعضی فیلم های خارجی هم اسم فیلم کل داستان را لو می دهد. مثل فیلم «مصاحبه با خدا» که معلوم است درباره مصاحبه با خداست. حالا شما این را مقایسه کنید با «متری شیش و نیم» که تنها چیزی که از آن می دانیم این است که پیمان معادی در فیلم «بیسیم به دست» است. نه خلاصه ای نه چیزی. البته خود عنوان فیلم کمی معنادار است و می شود فهمید که متری شیش و نیم مربوط به قیمت زمین یا آپارتمان است؛ تازه اگر مخاطب با خواندن این عنوان از خودش نبرد «به دلار جدید یا قدیم؟!» خلاصه این که این قدر ناخن خشکی نکنید؛ یک جوری توضیح بدهید که فیلمتان درباره چیست که آدم گرگ گیجه نگیرد.



محمد صالحی

داشتیم اینستا را چک می کردیم که ببینیم امروز «کلیپی که دنیا را تکان داد» چی داریم یا جکی چان دیگر چه چیزهایی را تکذیب کرده یا ایتم «بی غیرتی تا کی» امروز متعلق به چه کلیپی ست که در کنار خربازی خزهای اینستا چشم مان افتاد به تیتزر «سولماز آقمانی؛ من را با لایلا مقایسه نکنید». البته طبیعی بود که چشم مان به این تیتزر بخورد، اما تیتزر مورد اشاره ربطی به چیزی که می خواهیم بگویم ندارد. در اصل چشم مان در کنار چیزهای زیادی که وقتی پدرمان در اتاق مان است نباید به آن ها بخورد، به این تیتزر خورد: «لیست فیلم های سودای سیمرخ لو رفت». منبع این خبر ویکی پدیا بود که اتفاقا منبع بسیار معتبری هم است، تا جایی که بسیاری از مسوولان و نمایندگان و مدیران ما تر دکترها و پایان نامه های خود را از این منبع معتبر کپی کرده اند. امیر دولاب، موسس این سایتا، کوشش زیادی برای دقیق بودن مطالب آن انجام داده است، به گونه ای که شما هم می توانید یکی از نویسندگان آن باشید. مثلا فکر کنید می خواهید به یکی از دوستان تان که کارگردان است کردیت (همان حال خودمان) بدهید. یک فهرست از فیلم های کارگردانان سرشناس این دوره را ردیف کنید؛ اسم فیلم دوستان تان را هم کنارش جا بدهید. برای آن که کسی شک نکند، اسم یک کارگردان نیست در جهان دیگر را هم اضافه کنید که نفهمند این خبر جعلی از کجا آب می خورد. آب هم دست تان است بگذارید زمین تا کسی متوجه نشود آب را از لیوان شما خورده اند. برای لیست تیم ملی هم این فرمول جواب می دهد. شما یک کاغذ و خودکار می آورید و اسم دعوت شده های همیشگی را لیست می کنید. بعد نوبت اسم دوستان تان است؛ مثلا نام فلانی را هم می نویسید و برای آن که کسی شک نکند، اسم یکی دو نفر دیگر مثل محسن ربیع خواه یا میلاد زکی پور را هم اضافه می کنید. مردم یک نگاه به لیست می اندازند و با خودش ان می گویند، فلانی که اضافه است، بعد به ربیع خواه و ماهینی که می رسند، ترندها برطرف می شود و می گویند دمش گرم، کی روش این دفعه چند بازیکن ضعیف هم دعوت کرده که روحیه بگیرند. القصه که پیر نشو دولاب لعنتی!

پیرنشی امیر دولاب...



مسترسرچر

میثم محمدی



کرد. کریم‌مسیحی در ۳۸ سالگی با «پرده آخر» پرچم‌دار جوایز فجر شد اما ی‌ده. صمدی هم در این دوره با «آپارتمان شماره ۱۲» پایه‌پای «پرده آخر» در بیشتر بخش‌ها نامزد دریافت جایزه شد و توانست سه جایزه را از آن خود کند. «دو فیلم با یک بلیت» به کارگردانی داریوش فرهنگ هم یکی از فیلم‌هایی بود که مورد توجه منتقدان قرار گرفت. اما در این دوره بود که بهروز افخمی یکی از بهترین آثار کارنامه خود را ساخت و با «عروس» جایگاهی جدی برای خود ایجاد کرد. نیکی کریمی هم در دومین حضور سینمایی خود توانست نامزد دریافت سیمرغ شود و خود را تبدیل به ستاره زن سینمای آن سال کند.

دهمین دوره جشنواره فیلم فجر

شاید بتوان متمایزترین چهره این دوره را رخشان بنی‌اعتماد نامید. او با فیلم «ترگس» که فیلمنامه آن را با فریدون جیرانی نوشته بود، در دهمین دوره جشنواره فیلم فجر، نوید ظهور یک فیلمساز زن دغدغه‌مند را داد و می توان «ترگس» را نقطه عطف کارنامه بنی‌اعتماد دانست. بهرام بیضایی هم با «مسافران» در این دوره حضور پیدا کرد که حاشیه‌های بسیاری را هم با خود به‌دنبال داشت. اما دهمین جشنواره فیلم فجر یک فیلم‌اولی هم داشت که حالا به



هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر

باز هم قرعه‌دبیری جشنواره فیلم فجر به نام سیدمحمد بهشتی افتاد تا این جشنواره در بهمن ۱۳۶۸ برگزار شود. بی‌شک این جشنواره فیلم‌های به‌یاد ماندنی داشت. داریوش مهرجویی با درام اجتماعی و روانکاوانه خود عرض اندام کرد و «هامون» توانست جوایز صلی را دریافت کند و ابراهیم حاتمی کیا هم با «مهاجر» خودش را در ژانر دفاع مقدس تثبیت کرد و اثرش بسیار مورد توجه قرار گرفت. علی حاتمی با «مادر» توانایی‌های خود را برای چندمین بار ثابت کرد و فیلم‌هایی چون «کلوزآپ» کیارستمی و «دندان مار» به کارگردانی مسعود کیمیایی نیز در این دوره حضور داشتند. بیش از ۲۰ کشور خارجی از قاره‌های آسیا، اروپا و آمریکا نیز با فیلم‌های خود در این دوره حضور داشتند. خسرو شکیبایی ستاره بازیگری این دوره بود که توانست اولین سیمرغ بلورین خود را برای بازی در فیلم «هامون» دریافت کند.

نهمین دوره جشنواره فیلم فجر

اما نهمین جشنواره فیلم فجر پرده دیگری را نمایان کرد و «پرده آخر» به کارگردانی واروژ کریم‌مسیحی درخشش بی‌چون‌وچرابی داشت تا جایی که هشت جایزه این دوره از جشنواره را از آن خود



عهده می‌گرفت. او جایگزین سیدمحمد بهشتی شده بود که با ۱۰ دوره دبیری جشنواره رکورد دار این عنوان است. جشنواره با تغییر دبیر شکل خود را حفظ کرد و مانند سال‌های گذشته همان بخش‌ها را داشت. در این دوره بود که فیلم تاریخی-مذهبی ماندگار شهرام اسدی، یعنی «روز واقعه» با فیلمنامه‌ای از بهرام بیضایی ساخته و در ۱۰ بخش نامزد دریافت جایزه شد و پنج سیمرغ از جمله بهترین فیلم را گرفت. خسرو شکیبایی هم توانست با فیلم «کیمیای» به کارگردانی احمدرضا درویش پس از گذشت پنج سال از دریافت اولین سیمرغ بازیگری برای فیلم «هامون»، دومین



سیمرغ بلورین بهترین بازیگری نقش اول مرد را از آن خود کند. علیرضا داونژاد با «خلع سلاح»، رخشان بنی‌اعتماد با «روسری آبی» و داریوش مهرجویی با یک فیلم زنانه دیگر به نام «پری» در این دوره حضور داشتند.

چهاردهمین دوره جشنواره فیلم فجر

فریزنده خیلی زود با جشنواره خداحافظی کرد تا این‌بار سکان دبیری جشنواره به‌دست عزت‌الله ضرعلمی افتد. دوره چهاردهم یکی از خاطره‌انگیزترین دوره‌های جشنواره فیلم فجر است. نام‌های به‌یادماندنی و آثاری که هنوز در ذهن مخاطبان باقی مانده است. محمد کاسبی برای ایفای نقش در فیلم «پلر» به کارگردانی مجید مجیدی، تنها سیمرغ بلورین خود را دریافت کرد. «بوی پیراهن یوسف» و «سفر به جزایه» نیز دو فیلم دفاع مقدسی این دوره بودند. اما یکی از آثاری که در آن دوره بسیار شگفت‌انگیز و ساختارشکنانه ظاهر شد، کمدی «لیلی با من است» به کارگردانی کمال تبریزی با بازی فوق‌العاده پرویز پرستویی بود. «خواهران غریب» کیومرث پوراحمد و «بازمانده» مرحوم سیف‌الله داد نیز از دیگر آثار شاخص این دوره از جشنواره فیلم فجر به‌شمار می‌رفتند.

یکی از سرشناس‌ترین فیلمسازان سینمای ایران بدل شده است. مجید مجیدی با «بدوک» پدیده جشنواره بود که با اولین فیلم بلند سینمایی خود توانست در ۶ رشته نامزد دریافت جایزه شود. علیرضا داونژاد هم با «نیاز» خوش‌درخشید و سیمرغ بهترین فیلم این دوره را دریافت کرد.

پانزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر

در این دوره بود که ابراهیم حاتمی‌کیا توانست با نگاهی جدید به جنگ ایران و عراق و اثرات جنگ، با فیلم «از کرخه تا راین» زاویه‌های جدید را برای پرداختن به موضوع دفاع مقدس انتخاب کند. فیلمی که در آن دوران توانست مورد توجه واقع شود. مهرجویی هم در این دوره یکی از مهم‌ترین آثار خود یعنی «سارا» را راهی جشنواره کرده بود. دوره یازدهم آنچنان که باید و شاید آثار برجسته‌ای نداشت. اما یکی از نکاتی که شاید اشاره به آن خالی از لطف نباشد، دریافت اولین سیمرغ بلورین کارگردانی از سوی سپروس لوند بود که یک‌بار برای همیشه توانست این جایزه را در سال ۷۱ برای ساخت فیلم «یکبار برای همیشه» دریافت کند. خسرو شکیبایی و فاطمه معتمدآریا نقش‌های اصلی این فیلم را برعهده داشتند. کیومرث پوراحمد نیز با فیلم سینمایی «شرم» در این دوره از جشنواره حضور داشت.

دوازدهمین دوره جشنواره فیلم فجر

این آخرین دوره‌ای بود که سیدمحمد بهشتی دبیری جشنواره را بر عهده داشت. اما پس از چند سال که استعدادها و فیلم‌های درخشانی در جشنواره حضور داشتند، در این دوره تا حدودی مانند دوره قبل آثار متوسطی به جشنواره رسیده بود. در همین دوره بود که هیات داوران هیچ گزینه‌ای برای بخش بهترین فیلم معرفی نکرد تا تمامی فیلم‌ها در این بخش دست خالی بمانند. شاید بتوان «روز فرشته» به کارگردانی بهروز افخمی، «خاکستر سبز» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا، «جنگ نفت کش‌ها» به کارگردانی محمد بزرگ‌نیا و «همسر» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده را شاخص‌ترین آثار این دوره دانست. دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه توسط هوشنگ مرادی کرمانی برای فیلم «تیک‌تاک» را می‌توان یکی از جالب‌ترین نکات این جشنواره خواند که به‌صورت مشترک با محمدعلی طالبی به نگارش درآمده بود. بخش بین‌الملل این دوره به نظر درخشان‌تر به‌نظر می‌رسید. سینمای فرانسه و ژاپن و بزرگداشت ورنر هرتسوک از بخش‌های جالب این دوره به‌شمار می‌رفت.

سیزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر

مهدی فریزنده اولین دوره‌ای بود که دبیری جشنواره را بر

اگر اینجا بود تا به نگاهی برگ به برگش را
بگردانیدیم، احتمالاً با سواد اوراقی مواجه می‌شدیم
که هر یک می‌توانست سوای تصاویر و واژگانی
که به خود دیده‌است، دل‌پری برای گفتن داشته
باشد، گفتن از خاطراتی که تنها به سینه او متن و
تصویر شده است، از سختی راه تا به اینجا رسیدن
تا گفتن از طعم و مزه همیشه خواستنیش...
هر چه بود و هر چه داشت، بولتن‌گونه‌ای بود
که با عنوان خبرنگار به شب‌های روشن می‌رسید،
نشریه‌ای که به قد و قطع هم‌پس جشنوارش بوده
و حتماً به محتوا نیز هم‌قواره‌اش.

